

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رسالہ شریفہ

# اساس الایمان

در وجوب حجاب بر زنان

تألیف:

آیت اللہ محدث حلیل و القدر

سید حسین موسوی ارومی

معروف بہ عرب باغی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لِتَأْلِيفِ أَسَاسِ الْإِيمَانِ فِي بَيَانِ وُجُوبِ الْحِجَابِ عَلَيِ النَّسَوْنِ كَمَا نَزَلَ بِهِ آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ نَطَقَ بِهِ رَسُولُهُ بِأَوْضَحِ الْبَيَانِ وَ أَوْصِيَاءِ رَسُولِهِ تَبْيَانًا لِأَهْلِي الْأَزْمَانِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ بِعَدَدِ أَدْوَارِ الزَّمَانِ وَ اخْتِلَافِ الْمَلَوَانِ وَ اللَّعْنَةُ الدَّيْمَةُ شَيْءٍ مَنْ أَنْكَرَ آيَاتَهُ وَ اتَّبَعَ شَهْوَاتِهِ وَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ وَ عَلِي إِخْوَانِهِ الَّذِينَ يُلْقَوْنَ الشُّبُهَاتَ لِيُضِلُّوا بِهَا عِبَادَ اللَّهِ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ .

و بعد چنین میگوید احقر فانی حسین بن نصر الله بن صادق الموسوی عرب باغی که وجوب حجاب را در رسالهٔ اساس الاسلام و قانون الاسلام و سیاست الاسلام با آیات شریفه و اخبار ائمه (ع) که در این باب واردند بیان نموده ام و همگی طبع و نشر شده است و با وجود این جمعی از اخلاّء و اخوان خواهش کردند که در این خصوص یک رسالهٔ مستقلّ و مختصری نوشته شود و التماس ایشان را قبول و شروع به آن مینمایم و بالله التّوفیق ؛ بدان که احکام الهیّه و قوانین اسلامیّه تماماً بر روی اساس محکم و مصالح بنی آدم گذاشته شده چنانکه در رسالهٔ سیاست الاسلام و قانون الاسلام بیان آن در ضمن هر یک از احکام شده است همچنین حجاب که یکی از دعایم دین و احکام شرع مبین است متضمّن حکم بسیار و مصالح بیشمار است چنانکه در خاتمهٔ این رسالهٔ به بعضی از آنها اشاره خواهد شد .

در وجوب حجاب چندین آیه در کتاب و چندین حدیث از ائمه<sup>ع</sup> اطهار وارد شده است :

### آیه اول

در سوره<sup>ع</sup> نور (آیه<sup>ع</sup> 31) خداوند تبارک و تعالی فرموده ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ﴾ تا آنجا که میفرماید ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ مضمون آیات این است که البتّه باید فرو گذارند زنان آنچه را که به آن سر را میپوشند بر گریبان ها و سینه های خودشان و آشکار نکنند زینت خودشان را از قبیل لباس و سایر اسباب هر چه باشد همین که اسم زینت بر او صادق آید مخفی داشتن آن لازم است بر زنان مگر از برای شوهران خودشان و از برای پدران و یا پدرهای شوهران و یا پسرهای شوهران و یا برادران و پسران برادران و یا پسران خواهران و یا بر زنان مؤمنین و یا بر کنیزان خودشان چه از اهل دین خودشان باشند و یا از دیگران و یا بر تابع شوندگان خودشان که سائل به کفند و محتاج بر زن نیستند از جهت پیری و ضعف بنیه از مردان و از اطفالی که به حدّ رشد و تمیز نرسیده اند پس همه<sup>ع</sup> زنان از همه<sup>ع</sup> مردان باید مقنعه و روپوش داشته باشند مگر از این اشخاص که ذکر شد و البتّه و باید زنان پایهای خودشان را بر زمین نزنند برای معلوم کردن زینتهای باطنی خودشان

از خلخال و دستبند و گردنبند و غیر از اینها تا اینکه هیچ مردی نامحرم از ایشان خطّ و لذّتی نبرد، آنگاه میفرماید، بطرف دین خداوند و امر او برگردید تماماً. ای کسانی که به خداوند و رسول او گرویده اید شاید که شما رستگار شوید از باز خواست الهی در روز محشر بجهت چشم پوشیدن از نامحرم که عمده باعث دوزخی شدن شما شهوت‌های حرام شما است و چون زنان در حجاب شوند و چشمشان به نامحرم نخورد و مردان نیز آنها را نبینند در دلشان میل بحرام تولید نمیکند. و خداوند در این آیه شریفه اولاً با تأکید لازم امر فرموده بر پوشیدن مقنعه بر زنان و از واضحات است که مقنعه برای پوشیدن سر و صورت و سینه ایشان است و اگر بنا باشد که سر و صورت آنها باز باشد مقنعه لازم نمیشود پس وجوب مقنعه از جهت پوشیدن آنها است یعنی سر و صورت و گردن و سینه خودشان را. و در ثانی زنان را نهی فرموده از آشکار نمودن زینت از برای نامحرم و اجازه داده که زینت خود را فقط برای محرمان خودشان اظهار بکنند، پس زیاده‌تر از این امر ونهی در وجوب مقنعه و پوشیدن سر و صورت و زینت از نامحرم و نپوشیدن از نامحرم چه خواهد شد، نه تنها برای عاقل و اشخاص دانا بلکه به هر جاهل نادان و اطفال و نسوان حکم وجوب حجاب در این آیات واضح و روشن است مگر به مردمان فرومایه و از خود بیگانه.

## آیه دویم

ایضاً در سوره نور (آیه 60) فرموده ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ .

یعنی آن زنیکه از نکاح کردن و به شوهر رفتن نا امیدند از جهت پیری پس از برای آنها گناه نیست اینکه چادر و سرپوش خودشان را نپوشند به شرطی که تزئین و اظهار زینت نکنند و طلب عفت نمایند که خیر آنها هم در عفت است ، زیرا که عفت و حیا از برای پیره زنان نیز خوبتر است تا چه رسد به زنان جوان و خداوند سخنان آنها را که با نامحرمان گفتگو میکنند شنونده است و داناتر است بمقصود ایشان که از جهت کدام غرض گفتگو میکنند و به خود زینت و آرایش مینمایند . و مراد از این ثياب که پیره زنان را جایز میفرماید که نپوشند همان چادر و سرانداز است و یا مقنعه است ، چنانکه در احادیث صحیحه بیان شده است از آن جمله :

در کافی بسند صحیح محمد بن مسلم روایت کرده که از حضرت صادق (ع) سؤال نمودم از این آیه که کدام ثياب است که از برای پیره زنان جایز است که آن را نپوشند فرمود جلاباب که چادر و سرانداز باشد .

و در حدیث صحیح حلبی از آنحضرت روایت کرده که مراد از ثياب در این آیه خمار و جلاباب است که مقنعه و سرانداز باشد .

و در حدیث حرین آنحضرت فرمود که مراد جلاباب و خمار است زمانیکه زنان پیره باشند .

پس از این آیه شریفه واضح شد که فقط از برای پیره زنان جایز است چادر و سرانداز نپوشند نه از برای زهای جوان و این مطلب از برای صبیان و نسوان معلوم است تا چه رسد به مردمان عاقل و مرد کامل و شخص با علم و فضل و با وجود این آیه در قرآن اگر کسی بگوید که چادر و سرانداز برای زنان جوان لازم نیست پس آنکس از جاهلان و نادان و بلکه از احمقان و خارج از زمره انسان خواهد شد و منکر قرآن و انکار کننده احادیث صحیحه محسوب خواهد گردید .

### آیه سیّم

درسوره احزاب(آیه 53 و 55) فرموده ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ تا اینکه فرمود ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَخَوَاتِهِنَّ﴾ الی قوله الله ﴿وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ .

یعنی زمانیکه از زنان نامحرم یک چیزی سؤال میکنید از اشیاء خانه و غیر از آنها پس شما سؤال بکنید از ایشان از پس پرده و این گونه سؤال شما یعنی از پس پرده پاکیزه تر است از برای قلب شما و قلب آنان زیرا که از ریه و تهمت آسوده و خواطر جمع و از فتنه و فساد بری و دورتر میشوید ؛ و بعد فرمود

که گناه نیست برا زنها که بدون حجاب گفتگو نمایند و خودشان را ظاهر بکنند برای پدران و پسران و برادران و خواهران خودشان و بر زنان اهل دین خودشان و بر کنیزان تا اینکه فرمود ای طایفهٔ زنان که صاحب ایمانید در این حکم پوشیدن سر و صورت و زینت از نامحرمان بترسید از خدا از اینکه مخالفت کنید او را بدرستی که خداوند بر همهٔ چیزها از افعال و اقوال و اعمال شما حاضر و ناظر است و در این آیه و آیهٔ اوّل خداوند تعالی عمّ و خاله را ذکر فرموده و حال آنکه ایشان نیز محرمند زیرا که نکاح در بین عمّ و دختر برادر و خاله و دختر خواهر جایز نیست چنانکه فرموده ﴿حُرْمَتُ عَلَیْكُمْ اُمَّهَاتُكُمْ﴾ تا اینکه فرموده ﴿وَبَنَاتُ الْاَخِ وَبَنَاتُ الْاَخْتِ﴾ و عدم جواز نکاح در اقرباء دلیل محرمیت است و جهت از این است که عمّ و خال داخل برادران بوده زیرا که عمّ و خال برادر پدر و مادر است . و در این آیهٔ خداوند اولاً تکلیف مردمان را قرار داده که سؤال و گفتگوی ایشان با زنان نامحرم از پس پرده باشد و در ثانی تکلیف زنان را تعیین فرموده که ایشان را گناهی نیست در اینکه بدون حجاب در نزد محرمان خودشان بوده باشند و ثالثاً قدغن فرموده باینکه البته باید زنان در خصوص احتجاب از نامحرمان مواظبت نمایند و از مخالفت خداوند در این حکم پرهیز نمایند و از این آیهٔ شریفه واضح است وجوب حجاب بر زنان و لزوم محفوظ شدن آنها از نامحرمان زیرا که عدم وجوب حجاب را از برای ایشان منحصر فرموده بر

محرمان خودشان نه از برای دیگران ، و در آخر آیه<sup>۵</sup> امر فرموده بر تقوی کردن و از خداوند ترسیدن و فرموده که خداوند بر همه<sup>۶</sup> اعمال و افعال بندگان اعمّ از مردان و زنان ناظر و شاهد است پس بالاتر از این حکم در وجوب حجاب چه باید بشود و زیادتیر از این تأکیدات دیگر چه خواهد شد از برای دانایان و عاقلان در حالتیکه وجوب حجاب در این آیه<sup>۷</sup> چنان صریح است که اطفال و زنان وجوب آن را علماً و یقیناً میفهمند تا چه رسد بر عقلاء و بر کسانیکه مدّعی احساساتند و خودشان را انسان و صاحب فهم و ادراک و استنباط میدانند .

### آیه چهارم

ایضاً در سوره احزاب (آیه<sup>۵۹</sup>) میفرماید ﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴾ یعنی بگو ای پیغمبر (ص) ما بر زنان و دختران خودت و بر زنان سایر مؤمنان که نزدیک سازند و فرو گذارند بر خودشان جلباب و سرانداز و چادرهای خودشان را در وقت بیرون شدن از خانه که مانع از دیدن نامحرمان باشد و این برای آنها نزدیکتر است به اینکه شناخته شوند بعفت و عصمت پس اذیت کرده نشوند از ارادل و اوباش به این جهت و مردمان بد فطرت از ایشان طلب زنا نکنند و بدانند که ایشان زنان با عفت و عصمتند و چون چنین کردند آن وقت خداوند عالم از گناهان



گذشته آنها در این باب عفو و اغماض میفرماید و خداوند رحم کننده است بر ایشان که مصلحت آنها را بیان میکند که وجوب حجاب و جلباب باشد برای آنها تا اینکه محفوظ باشند از اراذل و از اذیت مردمان شریر و بد فطرت و بدگو، و در این آیه شریفه خداوند امر فرموده بر پوشیدن جلباب و کشیدن آن بر روی و سینه مانند نقاب و حکمت و سیاست آن را بیان نموده چنانکه ذکر شد و از گذشته ها عفو کرده و در این حکم مهربانی خود را بر زنان بیان کرده چنانکه بر نماز امر کرده و حکمت آن را بیان نموده که نماز باز میدارد شخص را از فحشاء و منکر و همچنین امر فرموده به روزه و حکمت آن را بیان نموده که روزه برای شما خیر است ، ﴿ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ ﴾ پس امر در این آیه مثل امر بر نماز و روزه از برای وجوب و لزوم است و این مطلب از واضحات است نزد جمیع عقلا و اهل لسان و عوام عربها فکیف بر علماء و فضلاء و از برای کسیکه ادّعی فضل و کمال و علم و ادب میکنند و اگر این امر در خصوص جلباب و نقاب است افاده وجوب ننماید پس امر در صوم و صلوة نیز افاده وجوب نخواهد کرد نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الْجَهْلِ وَالْغَوَايَةِ .

### آیه پنجم

در سوره نور (آیه 58 و 59) میفرماید ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ

الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَھُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ ﴿۱﴾ تا آنکه فرماید ﴿۲﴾ وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۳﴾

یعنی ای آنکسانیکه ایمان دارید باید غلام و کنیز و اطفال غیر بالغ شما در هر شبانه و روز سه مرتبه از شما اذن بگیرند در وقت داخل شدن ایشان بر منزل شما اوّل قبل از نماز صبح دویم در وقت ظهر که لباس خودتان را به جهت قیلوله از تن بیرون میکنید و سیّم بعد از نماز عشاء که وقت خواب و کندن لباس است و این سه وقت چون که موقع راحت و زمان بیرون آوردن لباس کار و داخلشدن به رختخواب است و بعد از این سه وقت دیگر از برای شما و ایشان عیب ندارد که بعضی از شما و ایشان به منزل یکدیگر داخل شوید و همچنین خداوند آیات احکام خود را برای شما بیان میکند تا اینکه جاهل نباشید و خداوند عالم است به مصالح شما و در حکم قرار دادن آنها را ملاحظه میفرماید و بدون علّت و حکمت و مصلحت حکم برای شما قرار نمیدهد و این اذن خواستن از شما در سه وقت مخصوص غلام و کنیز و اطفال شما بود و امّا زمانیکه اطفال به حدّ بلوغ رسند پس البته باید ایشان در هر وقت داخلشدن بمنزل شما از شما اذن بگیرند چنانکه قبل از ایشان اشخاص بالغ اذن گرفته اند و بدون اذن باید بمنزل کسی داخل نباشند و همچنین بیان میکند

خداوند آیات خود را از برای مردمان و خداوند در بیان احکام و مصالح بندگان دانا و حکیم است و بدون مصلحت و منفعت حکم نمی‌کند پس در این آیه<sup>۱</sup> شریفه اولاً فرمود که غلام و کنیز و اطفال غیر بالغ در شبانه و روز سه مرتبه اذن بگیرند و آن وقتها اوقات بیرون کردن البسه<sup>۲</sup> کارکردن و استراحت و خواب کردن بود یعنی در سایر اوقات لازم نیست که اینها اذن بگیرند و اما اطفال بالغ تعیین وقت نکرده و بلکه فرموده باید همیشه به اذن و اجازه داخل شوند و هیچ وقت بدون اذن و اخبار بمنزل کسی ولو آن کس محرم باشد نیز نباید داخل بشود و علت این حکم همان دانستن مردمان است ورود مردی را به منزل آنها تا اینکه اگر نامحرم باشد زنان ایشان از برای خودشان تهیه<sup>۳</sup> چادر و مقنعه بکنند و از نامحرم خودشان را حفظ بکنند و اگر محرم باشد نیز برای ورود آن مرد حالت خودمانی را تغییر بدهند و از این جهت در آخر آیه می‌فرماید ﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ یعنی این حکم از روی علم و حکمت است و اگر چه در این آیه<sup>۴</sup> بصراحت حکم بر حجاب و پوشیدن مقنعه نکرده لکن با کنایه حکم آن معلوم است که مقصود عمده پوشیدن زنان است خودشان را از نامحرمان و کنایه در نظر عاقلان ابلغ است از تصریح و اگر پوشیدن روی بر زنان واجب نبود چرا بر اطفال بعد از بلوغ واجب میشد اذن گرفتن از صاحب منزل در وقت داخل شدن و چرا فرق می‌گذاشت خداوند در بین اطفال بالغ و غیر بالغ معلوم است که علت فرق همان است که زنان از نامحرمان خود را مستور نمایند و مثل این آیه<sup>۵</sup>

است آیهٔ دیگر که در سورهٔ نور (آیهٔ 27) میفرماید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ یعنی ای آن کسانی که ایمان دارید به خانه های مردمان داخل نشوید تا اینکه استعلام و طلب اذن و اجازه بکنید از اهل خانه هر که باشد از صغیر و کبیر و مرد و زن و بعد از داخل شدن سلام بکنید بر اهل آن خانه و این داخلشدن شما با اذن ایشان برای شما خیر است چنانچه نماز و روزه برای شما خیر است و این حکم برای شما کردم تا اینکه شما متذکر شوید و پند بگیرید و بی بدون رخصت و اجازه به خانه و منزل کسی داخل نشوید شاید عیال او بی معجر نشسته و شاید که خود او به کاری مشغول است که دیدن شما او را در آن کار او را مکروه است لاجرم در این آیه نیز بر حجاب و مستورگشتن زنان از مردان کنایه و اشاره است و بلکه مقصود عمده آن است که مردان به زنان غفلة وارد نشوند .

### آیهٔ ششم

در سورهٔ نور (آیهٔ 30) فرموده ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ یعنی ای پیغمبر (ص) ما بگو بر آن کسانی که ایمان دارند که چشم خودشان را از نامحرم

پوشند و بر نامحرم نظر نکنند و عورت خود را از نظر غیر حفظ نمایند که مبدا غیر زوجه بر عورتین ایشان نظر تواند بکند و این پوشیدن چشم از نامحرم و حفظ عورتین از مردمان پاکیزه تر است از برای مردان ، بدرستیکه خداوند خبردار است بر آنچه میکنید از فعل خوب و کار نامرغوب و در این امر که به شما شده خداوند را حاضر و ناظر اعمال خودتان بدانید و ای پیغمبر (ص) ما باز به زنان صاحب ایمان بگو که ایشان نیز چشمهای خودشان را از نامحرمان پوشند و فرجهای خودشان را از نظر غیر زوج حفظ نمایند و علاوه زنان مؤمنه باید زینت خودشان را از گوشواره و دستبند و گردنبنده و شانه و آرایش و لباس زینت و هر چه بر آن زینت کردن گفته میشود ظاهر نکنند بر نامحرمان مگر آن زینت که در حال قیام بر حوایج خود خودبخود و بدون قصد ارائه ظاهر میگردد که همین قدر از ایشان معفو است ، پس خداوند در این آیه<sup>۲</sup> به مردان و زنان امر فرموده بر پوشیدن چشم از نامحرمان و حفظ کردن عورتین از نظر غیر زوج و زوجه و نهی فرموده زنان را از اظهار کردن زینت خودشان برای نامحرمان و زمانیکه زن جمیع زینت خود را از لباس و غیره ظاهر نکرد و کسی از نامحرمان زینت های او را ندید البته باید او را جلاب و سرانداز و مقنعه باشد و اگر نه زینت او تماماً ظاهر و نمایان خواهد شد و علاوه بر این سر و صورت او و زینتهای آنها نیز ظاهر خواهد شد و این از دو شق حالی نیست اگر گوئیم تمامی اینها که از زینت زنان

در این فرض ظاهر میشود معفو و داخل در مضمون ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ هستند در اینصورت بر ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ محل نماند زیرا که زینتی نمانده الا آنکه در این فرض خودبخود ظاهر میشود و کدام زینت مانده که او را باید ظاهر نکند و چون این فرض باطل است لابد باید بگوئیم که تمامی زینتها سر و صورت و گردن و روش بموجب آیه واجب است که پوشیده گردد مگر آن زینتی که قابل پوشیدن نیست مثل ظواهر جلیباب و جوراب و کفش و حجم بدن و بلندی قامت و امثال ذالک در این صورت هم آیه ﴿وَلَا يُبْدِينَ﴾ محل و موقع خود را مییابد و هم آیه ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ در جای خود واقع میشود پس بالاتر از این تأکید و بلیغ تر از این بیان از حجاب زنان که در این آیه شریفه است چه خواهد شد .

در سبب نزول این آیه صاحب کافی بسند خود از سعد اسکاف از حضرت باقر (ع) روایت کرده که حاصل مضمون آن این است که یک نفر جوان از انصار بر یک نفر زن نظر کرد و چشم خود را از او برداشت و در این اثنا صورت آن جوان در دیوار بر استخوان بر خورده و صورت او خون آلود شد و بحضور حضرت رسول الله (ص) آمد و آنحضرت از این قضیه خبر دار شد پس آیه ﴿فُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ نازل و نظر کردن بر نامحرم حرام شد .

### احادیث در وجوب مقنعه برای زنان

پس در کافی بسند صحیح خود از محمد بن مسلم از حضرت باقر (ع)

روایت کرده که فرمود ابدأً صلاحیت ندارد از برای دختری که حیض دیده باشد مگر مقنعه داشته باشد الاً آنکه اصلاً نیافته باشد مقنعه را .

و ایضاً از عبدالرحمن بن حجّاج روایت کرده که سؤال کردم از حضرت کاظم (ع) از دختری که غیر بالغه است که چه وقت لازم است سر خود را از نامحرمان بپوشاند و در چه زمان واجب میشود که مقنعه و سرپوش داشته باشد در نماز فرمود وقتی که حیض دیده باشد ، و این حدیث را مرحوم صدوق در کتاب علل الشرایع از احمد بن ادريس روایت کرده .

و در فقیه بسند صحیح از ابی نصر از حضرت رضا (ع) روایت کرده که فرمود وادار کرده میشود طفل هفت ساله بر نماز و بر زنان لازم نیست پوشیدن مویهای خودشان از آن طفل تا اینکه او به حدّ بلوغ برسد .

و در کتاب قرب الأَسناد با سند صحیح از بزندی روایت کرده که حضرت رضا (ع) فرمود زنان سر خودشان را از طفل نمیپوشند تا اینکه طفل بالغ شود .  
و در کتاب مستدرک الوسائل از کتاب جعفریات روایت کرده از حضرت صادق (ع) از پدران خودش که حضرت رسول الله (ص) فرمود که خداوند نماز دختر را قبول نمیکند در وقتی که بالغه شود و مقنعه نپوشد .

### حرام بودن نظر بر نامحرم

پس در کافی و فقیه و محاسن به سند صحیح از عقبه روایت کرده اند که

حضرت صادق (ع) فرمود نظر کردن بر نامحرم یک تیر زهرآلود است از تیرهای ابلیس و چه بسیار نظرها که سبب زیادتی حیرت شده است .

و در کافی از ابن ابی نجران از حضرت صادق (ع) و از ابی جمیله از حضرت باقر (ع) روایت کرده که فرموده اند هیچکس نمیشود مگر اینکه بر حظّ زنا میرسد و زنای چشم نظر کردن است به نامحرم و زنای دهان بوسیدن نامحرم است و زنای دست مسّ کردن نامحرم است خواه فرج او تصدیق کند اینها را یا تکذیب نماید و مایل نباشد به زنا کردن .

و در فقیه بسند صحیح خود از هشام بن سالم از عقبه روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود نظر کردن بر نامحرم تیر زهرآلود است از تیر های ابلیس و هرکه آن را ترک نماید از جهت رضای خداوند نه از جهت غیر او پس خداوند امانت از عذاب و ایمان را به او عطا میفرماید و لذّت ایمان را دریابد .

و در فقیه و محاسن از کاهلی و از زافر روایت کرده اند که حضرت صادق (ع) فرمود نظر بعد از نظر باعث شهوت میشود در باطن شخص و آن شهوت کفایت میکند برای فتنه او .

و در فقیه از حضرت صادق (ع) روایت کرده که فرمود نظر اوّل برای تو عیب نمیکند زیرا که با عمد نشده و نظر دویم بر ضرر تو است و در نظر سیّم هلاکت است .



و در علل الشرایع و عیون الأخبار از محمد بن سنان روایت کرده که حضرت رضا (ع) نوشت به او که خداوند حرام کرده نظر کردن را بر مویهای زنان شوهر دار و غیر ایشان از زنان زیرا که در نظر کردن هیجان شهوت است و در هیجان شهوت میل است بر آنچه حلال نیست و تحمّل بر آن نمیتوان نمود و همچنین حرام است نظر کردن بر آنچه مثل موی او است در باعث شدن بر هیجان شهوت مگر نظر کردن بر عجزها که امید نکاح ندارند پس برای آنها جایز است که جلباب و سرانداز نداشته باشند و عیب ندارد نظر کردن بر مویهای ایشان .

و در عقاب الأعمال بسند صحیح خود روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرمود هر که مطلع شود بخانه کسی و نظر نماید بر زن او و یا بر موی و چیزی از بدن آن زن پس حقّ است بر خداوند که نظر کننده را با منافقین بر آتش دوزخ داخل بکند و او از دنیا نمیروود تا اینکه خداوند او را رسوا میکند و عیوبات او را به مردمان آشکار میکند در آخرت و هر که چشم خود را از زن نامحرم پر کند خداوند چشم او را از آتش دوزخ پر کند و از مسمار آتش بر چشم او زده میشود و بعد از حساب مردمان امر میکند که او را بدوزخ اندازند .

و در فقیه در حدیث صحیح مناهی روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرموده هر که چشم خود را از حرام پر نماید خداوند در قیامت چشم او را از آتش دوزخ پر میکند مگر اینکه توبه بکند و از این عمل بر گردد .

و در قرب الأسناد از ابی نصر روایت کرده که از حضرت رضا (ع) سؤال کردم آیا حلال است نظر کردن شخص به موی خواهر زن خود فرمود حلال نیست مگر اینکه عجزه باشد عرض کردم خواهر زن و غیر او مساوی است فرمود بلی فرق ندارد گفتم از عجزه چه حلال است که نظر نمایم به آن فرمود موی و بازوهای او .

و در کافی بسند صحیح خود از احمد بن ابی عبدالله از حضرت صادق (ع) روایت کرده که ابن امّ مکتوم از حضرت رسول الله (ص) اذن خواست که به حضور آنحضرت داخل شود در نزد آنحضرت عایشه و حفصه بودند پس به آنها فرمود بر خیزید و داخل خانه بشوید عرض کردند که این مرد نابینا است فرمود اگر او شما را نبیند شما که او را می بینید .

و در عقاب الأعمال بسند صحیح خود روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرمود غضب خداوند شدید شده به زن شوهرداری که چشم خود را پر کند از نظر نمودن بغیر شوهر خود و بغیر از محرم خودش و اگر آن زن چنین بکند خداوند جمیع اعمال خیر او را باطل و بدون اجر قرار میدهد و اگر آن زن فراش شوهر خود را بغیر او بدهد حقّ میشود به خداوند که او را به آتش دوزخ بسوزاند بعد از عذاب کردن بر او در قبرش .

و در کتاب مکارم الأخلاق مرحوم طبرسی از ام السّلمه روایت کرده که او و از زنان آنحضرت میمونه در حضور بودند ابن امّ مکتوم آمد و این قضیه بعد

از نازل شدن آیه حجاب بود آنحضرت فرمود بما که در حجاب شوید عرض کردیم که او نابینا است فرمود شما که بینا هستید و او را می بینید .

و ایضاً در آنکتاب روایت کرده که حضرت فاطمه<sup>ع</sup> فرمود خوبست برای زنان که ایشانرا مردان نبینند و ایشان نیز مردان را ندیده باشند پس حضرت رسول الله<sup>ص</sup> فرمود فاطمه<sup>ص</sup> (س) از من است .

و در کتب اربعه با اسناد صحیحه از ابن اسحاق و ابن ابی عمیر روایت کرده اند که از حضرت کاظم<sup>ع</sup> سؤال کردم که از برای شخص خادم خصی میشود و آن خادم بر زنان آن شخص آب میدهد و موی ایشان را می بیند چطور است فرمود نمیشود .

و در مکارم الأخلاق روایت کرده که آنحضرت فرمود زن نباید در نزد خادم خصی بدون سرانداز بوده باشد .

و در مستدرک از جامع الأخبار از حضرت امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> روایت کرده که فرمود هر که نظر خود را از نامحرمان باز ندارد قلب خود را به زحمت اندازد و هر که نظر کردن او زیادتیر باشد حسرت او دائمی شود و از حضرت رسول الله<sup>ص</sup> روایت کرده که از برای هر عضو بنی آدم حظّ زنا است و زنای چشم نظر کردن است بر نامحرم و زناء دهان گفتگو است با نامحرم و زناء گوشها شنیدن کلام اوست و زناء دستها مس کردن او است و

زنای پاها رفتن است بطرف او چه فرج آن کس مایل باشد و یا نباشد .

و از مصباح الشریعه روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود هیچ کس غنیمت نکرده مثل غنیمت کردن کسیکه چشم خود را از نامحرم بپوشد بدرستی که چشم را از نامحرم نپوشد کسی مگر آن که بر قلب او مشاهده کردن عظمت و جلال خداوند وارد میشود و از حضرت امیرالمؤمنین (ع) سؤال کردند که به کدام چیز بر پوشیدن چشم اعانت میشود فرمود خداوند را حاضر و ناظر دانستن و چشم جاسوس قلب و قاصد عقل است پس چشم خود را بپوش از آنچه لایق به دین تو نیست و قلب تو آن را مکروه میدارد و عقل تو آن را انکار میکند .

و حضرت عیسی (ع) بر اصحاب خود فرمود که دور باشید از نظر کردن بر نامحرمان زیرا که نظر بر ایشان تخم شهوت و علف فسق است .  
و ابن مسعود به کسی که آن کس به یک نفر زن نظر کرده بود و در مرض آن زن آن کس او را عیادت کرده بود گفت که اگر چشم تو نایینا میشد خوب تر بود از اینکه این زن را عیادت بکنی تا آخر حدیث .

و از امالی مرحوم مفسد از محمد بن سنان روایت کرده که حضرت رضا (ع) فرمود حضرت عیسی (ع) در اغلب اوقات به اصحاب خود میفرمود که دور شوید از نظر کردن بر نامحرمان زیرا که نظر نمودن باعث شهوت میشود و شهوت نیز سبب فتنه است .

و از کتب لباب مرحوم راوندی روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرمود هر که به زن نامحرم نظر کند خداوند چشم او را از آتش دوزخ پر میکند و از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که خداوند بر نظر کننده و نظر شده لعنت بکند .

و از کتاب غُررآمدی از آنحضرت روایت کرده که فرمود چشمان دام شیطان است و نظر کردن باعث فتنه است و نایبنا شدن خوبتر است از نظریکه سبب فتنه است و چه بسیار نظر کردن باعث حسرت شده است و هر که نظر کردن خود را باز دارد قلب او راحت میشود و هر که نظر خود را باز ندارد باعث مرگ او میشود و هر که نظرش را حفظ نماید تأسف او اندک میشود و از تلف شدن در امن میشود .

و از کتاب دعائم الإسلام روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) نهی کرده زنان را از نظر کردن بر نامحرمان .

و در حدیث حولا آنحضرت فرمود ای حولا حلال نیست از برای زن داخل خانهٔ شخص نامحرم شود و چشم خود را از آن نامحرم پر نماید و آن نامحرم نیز چشم خود را از آن زن پر کند جایز نیست از برای زن که با نامحرم در یک جا بخورد مگر اینکه آن شخص محرم باشد به او و با وجود محرم بودن شوهر او حاضر باشد در آنجا تا آخر حدیث . (این حدیث خیلی خوب و مفصل میباشد که در کتاب تبصرة المؤمنین حدیث سی و سیّم است) .

و از جعفریات از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت فاطمه (ع) با حضرت رسول الله (ص) بود یک نفر نایینا اذن خواست پس حضرت فاطمه زهرا (س) حجاب پوشید آنحضرت فرمود این مرد نایینا است چرا حجاب پوشیدی عرض کرد اگر او مرا ندیده باشد من او را میبینم و مرد کور رایحه زن را میداند آنحضرت فرمود شهادت میکنم که تو پارچه تن منی و این حدیث را از دعائم الاسلام نیز روایت کرده .

و ایضاً از دعائم الاسلام نقل کرده که حضرت پیغمبر (ص) یک روز فرمود کدام خصلت از برای زن خوب است حضرت فاطمه (ع) عرض کرد اینکه زن را نامحرم ندیده باشد و زن نیز نامحرم را نبیند آنحضرت فرمود راست گفתי تو از من یک پارچه میباشی .

ایضاً از جعفریات از حضرت صادق (ع) از پدران خودش روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرمود خداوند قبول نمیکند نماز را از آن دختری که بعد از بالغه شدن سرانداز و مقنعه نپوشد .

و از مشکوة مرحوم طبرسی از حضرت صادق (ع) روایت نموده که فرمود زمانی که شما از اهل یک خانه طلب اذن داخل شدن کردید باید از پشت درخانه قبل از اینکه به خانه نظر کنید پس اول سلام بکنید و سلام نام خداوند است و شما امر شده اید بطلب اذن در وقت داخل شدن بخانه دیگران از جهة اینکه مبدا نظر شما بیفتد بر نامحرمان تا آخر حدیث .

و از امثال این احادیث در کتب اربعه و جوامع اربعه بسیار است و از این احادیث صحیحه و متواتره وجوب حجاب و لزوم نقاب در حرمت نظر کردن به نامحرم خواه زن به مرد و خواه مرد به زن بر همه کس واضح است خصوصاً برای کسی که فی الجمله سواد داشته و از علم بهره مند بوده باشد اگر از اهل عناد و فساد در بلاد و در بین عباد نبوده باشد، زیرا که دلالت احادیث بحرمت نظر کردن به نامحرمی وجوب مقنعه و جلباب و پوشیدن زنان جمیع بدن خودشان را از نامحرمان از اوضح و اضحات است و بلکه مفهم این معنا است که از ضروریّات دین اسلام است بطوری که دلالت در وضوح بر وجوب حجاب و حرمت نظر زیادتر از این ممکن نیست مانند سایر ضروریّات دین از نماز و روزه و خمس و زکوٰه و حجّ و جهاد و حرمت مسکرات و قمار و حرمت زنا و ربا و کذب و افتراء و جور و ظلم بر بندگان خدا است یعنی چنانکه همه اینها از ضروریّات دین اسلام است به صراحت قرآن و حدیث هم چنین وجوب حجاب و نقاب و مقنعه و جلباب برای حفظ نظر از نامحرمان برای نسوان ضروری مذهب است و مناقشه در این مسئله مثل مناقشه در وجوب نماز و روزه و مناقشه در حرمت شراب و قمار است در پیش کسانی که عقل و انصاف و علم و فهم دارند و از اهل عناد و لجاج نیستند.

**دیدن صورت و دوکف دست و دو پای زن در محل و زمان خاص است**

و اما آنچه در بعضی احادیث وارد شده که صورت و دو کف دست و عورت

نیستند و نظر کردن به اینها عیب ندارد مثل حدیث :

مروک بن عبید از بعض اصحاب از حضرت صادق (ع) که عرض کردم از برای مرد نامحرم چه حلال است دیدن آن از زنان آنحضرت فرمود صورت و دوکف و دو قدم آنها .

و در حدیث زُراره از آنحضرت در آیه ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ فرمود زینت ظاهر کحل و خاتم است .

و در حدیث ابی بصیر از آنحضرت فرمود خاتم و دستبند است .

و این سه حدیث در کافی است ، و در قرب الأَسناد از مسعده روایت کرده که از آنحضرت سؤال کردند از آنچه زنان ظاهر میکنند از زینت خودشان فرمود صورت و دوکف ایشان است .

پس جواب از اینها این است که این احادیث در مقام دیدن مرد نامحرم است در وقت خواستگاری نه همیشه زیرا که در آن وقت مرد خواستگار میتواند صورت و دستهای همان زن را ببیند و محاسن زن را که عبارت از اینها است دیده باشد .

چنانکه در کافی از محمد بن مسلم روایت کرده که سؤال کردم از حضرت باقر (ع) از کسیکه اراده میکند نکاح نمودن زن را آیا جایز است نظر کردن آنکس به او فرمود بلی زیرا که آن زن را بر ثمن زیاد میخرد .

و ایضاً در کافی از هشام و حمّاد و حفص روایت کرده که حضرت صادق



فرمود عیب ندارد نظر کردن بر آن زنیکه ارادهٔ عقد کردن او را داری که نظر بکنی به صورت و دستهای او .

و از حسن بن سَریّ روایت کرده که بحضرت صادق (ع) گفتم مردی که ارادهٔ تزویج زنی را دارد آیا بر آن زن تأمل بکند در صورت او و از پشت سر او نگاه بکند فرمود بلی عیب ندارد اینک نظر بکند به او از پشت سرش و بصورتش در وقت ارادهٔ تزویج او .

و از فضل روایت کرده که به آنحضرت عرض کردم که مردی ارادهٔ تزویج یک نفر زن را دارد آیا نظر بکند به موی و صورت و دستهای او فرمود عیب ندارد اگر به قصد لذت نباشد .

و در فقیه و تهذیب از عبدالله بن سنان روایت نموده اند که به آنحضرت گفتم که شخصی ارادهٔ عقد یک زن را دارد آیا به موی او نظر بکند یا نه فرمود بلی زیرا که بوجه زیاد میخرد .

و در تهذیب از غیاث از آنحضرت از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده در مردی که ارادهٔ تزویج دارد آیا نظر بکند بر محاسن و صورت و دستهای زن را یا نه فرمود بلی زیرا که آنمرد خریدار است و اگر اقتضاء شود بعد از نظر کردن عقد میکند .

و در علل الشرایع از یونس روایت کرده که به آنحضرت گفتم شخصی که ارادهٔ تزویج زن را دارد آیا جایز است که به او نظر بکند فرمود بلی و آن

زن لباس رقیق میپوشد و آنمرد به او نظر میکند زیرا او را بر ثمن زیاد میخرد .  
و مثل اینها است احادیث دیگر در جواز نظر کردن مرد خواستگار در آن وقت  
که میخواهد تزویج نماید ، پس از این احادیث معلوم میشود که در غیر از وقت  
مذکور نظر کردن نامحرم به نامحرم جایز نیست ، و اگر همه اوقات نظر کردن به  
صورت و دستهای زن جایز میبود مخصوص کردن جواز به وقت اراده تزویج لغو  
میشد و همچنین سؤال از اینکه آیا نظر کردن به زنی که میخواهد تزویجش بکند  
جایز است یا نه هم لغو میگردد لاجرم همه احادیثی که در این موضوع وارد  
است و در کتب معتبره ثبت و درج گردیده بیهوده و بی فایده میگردد ، پس  
واضح شد که حدیث مروک و زُراه و ابی بصیر و مسعده که نظر کردن به  
صورت و دست و قدم زن را جایز نموده راجع به وقت اراده تزویج و  
خواستگاری است نه به همه اوقات و الا لازم آید که امام متناقض حرف زده  
باشد العیاذ بالله و بنا به آنچه گفته شد در بین کلام امام تناقض و اختلافی  
ندارد بلکه هر یک نسبت به محلّ خود صحیح و گفته خدا و رسول است ،  
سوء فهم و ابتغاء فتنه از جانب پاره از مدّعیان علم است که در واقع از علم و  
جز چندان بهره نداشته و به مجرّد دیدن حدیث مروک و امثال آن مفتی  
واقع شده اند چنانکه عادت غالب جهّال عصر نیز این است که  
با دیدن یک آیه و یک حدیث بدون اینکه از موضوع و محمول آن  
اطلاعی داشته باشد در آن مورد از نزد خود حکم میکند و بلکه علمای حقّه

را متّهم مینمایند که چرا حق را کتمان کرده و به موجب این آیه و خبر حکم نکرده اند غافل از اینکه شخص از احکام شرع انور و از اسرار و زوایای آن وقتی با اطلاع میگردد که از همه آیات و از جمیع اخبار با خبر بوده ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و عامّ و خاصّ آیات و حدیث صحیح را از سقیم و صریح را از محمول بر تقیّه تشخیص بدهد نه اینکه به مجرد دیدن یک یا چند حدیث ادّعی علم بر احکام نموده و فتوی بدهد . . .

### شکایت از بعض ارباب تحریر و قلم

و بسیار جای تعجب است از بعضی ارباب تحریر و جریده نگار از اینکه اظهار نظر میکنند در اینکه حجاب بر زنان واجب نیست و مستندشان پاره مکاتب اشخاص مجهول الهویّه یا عوام کالأنعامی در لباس علم و فتوی است سخنان عاطل و باطل آنها را حرف حسابی و مطلب علمی خیال کرده جراید مرغوب علمی و ادبی و اخلاقی خود را ضایع و در نظر ارباب هوش و خرد و علم و ادب فاسد در زمره ترویج کنندگان اباطیل و تقویت نمایندگان اراء اراذل و اضمایل میکند و اهمّیت روزنامه خود را در انظار عقلا باطل در جزو یاوه سرایان و سخنان مردمان بی شرف و بی وجدان میگرداند و بدین سبب روزنامه گرانبهای ایشان در نظر ارباب عقّت و ناموس از قیمت افتاده و منفور واقع میشود . . .

و تعجب زیاد از بعضی معلّمین عالم نمای غافل و زاهل است که به اعتقاد

فاسد خودش به ملت و دولت خدمت میکند غافل از اینکه این خدمت او عین خیانتی هست که از روی جهالت میکند و خود را در نظر علمای شرع انور مفتضح و رسوا میکند و جلباب حیا را که ﴿الْحَيَاءُ وَ الْإِيمَانُ تَوَامِنٌ﴾ بر زمین گذاشته و میخواهد که نسوان با عصمت مسلمین را تابع رأی کاسد و فاسد خود گرداند با قصدی که زنان مسلمان مانند زنان فرنگیان سرگشاده و بی نقاب و جلباب در کوچه و بازار رفیق هر بی سر و پا کردند، خانوادهای نجیب و محترم و عزت و احترام و عفت و ناموس خود را ترک کرده و با هرزه کاران بی عصمت و بی حیا در یک طراز بکنند.

ای بسا ابلیس آدم رو که هست پس به هر دستی نباید داد دست

پس باید صاحبان جراید و مجلات به سخنان آن عوام در این مقام باور نکنند و کلمات و مهملات آن خناس و سواس کن را به گوش مردان نرسانند و جراید پر قیمت خود را بی قیمت و موهوم نفرمایند و خلاف ضروریات و ضدّ واضحات و منافی متواترات را در آنها درج ننمایند.

### ذکر بعضی از احادیث که دلالت بر وجوب حجاب دارند

و علاوه بر آیات سابقه و روایات صحیحۀ متقدّمه چند طایفه از احادیث شریفه بر وجوب حجاب و حرمت نظر کردن بر نامحرم دلالت دارند :

1) طایفه اول از آنها در کافی بسند صحیح از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرمود از برای زنهاى اهل ذمه حرمت

نیست و نظر کردن به موی و دستهای آنها عیب ندارد .

و ایضاً از عبّاد روایت کرده که آنحضرت فرمود عیب ندارد نظر کردن بر سر زنان اهل ذمه و اعراب بادیه نشین و کفار عجم از مجوس و غیره زیرا که زنان ایشان قبول نمیکنند و باز فرمود عیب ندارد نظر نمودن به سر زن دیوانه و بر بدن او در صورتی که با عمد نباشد و این حدیث را در فقیه و در علل الشرایع روایت کرده و در آنها به جای کفار عجم اهل ذمه را نقل کرده .

و در قرب الأسناد از ابی البُحُثری از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود عیب ندارد نظر کردن بر سر زنان اهل ذمه تا آخر حدیث .

و در مستدرک الوسائل از جعفریات بسند صحیح از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرمود حرمت نیست از برای زنان اهل ذمه و عیب ندارد نظر کردن بر آنها مادامی که به جهت لذت نباشد .

و ایضاً بسند صحیح از آنحضرت روایت کرده که فرمود از برای زنان اهل ذمه حرمت نیست و عیب ندارد نظر کردن بر روی و موی و بر گردن و بر بدن آنها مادامی که برای لذت نباشد .

پس از این احادیث واضح میشود که نظر کردن بر زنان مسلمان هر چندی که با عمد و با لذت بر آن نباشد جایز نیست زیرا که از برای زنان مؤمنات در دین اسلام حرمت است و اگر نظر نمودن بر زنان مسلمانان حرام نبوده پس چرا جایز

بودن نظر را بر زنان اهل ذمه و بر اهل تمامه که یهودند و بر زن دیوانه مختصّ میکردند ، پس این مطلب دلیل واضح است بر حرمت نظر بر زنان مسلمانان و دلالت از این واضح تر چه خواهد شد .

2) طایفهٔ دویم از احادیث در کافی به سند صحیح خود از وهب از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود که مردان از خاک زمین خلق شده اند و همت ایشان بدست آوردن زمین است و زنان از مردان خلق شده اند و همت اینها در طلب و تسخیر مردان است پس حبس کنید زنان خود را در خانهایشان ای مردمان با غیرت .

و ایضاً از حضرت صادق (ع) روایت کرده که خداوند خلق نموده حوا را از آدم پس همت زنان در مردان است زنان را در خانها حبس بکنید .

و ایضاً از واسطی از آنحضرت روایت کرده که خداوند خلق نموده آدم را از آب و خاک پس همت بنی آدم در طلب آب و خاک است و خلق کرده حوا را از آدم و همت زنان در مردان است پس حبس بکنید زنان را در خانها .

و ایضاً از ابن ابی جمهور از پدرش روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود همت درزندگان شکم آنها است و همت زنان مردان است .

و در کافی و فقیه از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرمود زنان جاهلند و مثل عورتین میباشند پس عورتین خودتان را بپوشید با بودن آنها در خانه و جهل ایشان را بپوشید با ساکت شدن در جواب سخن

گفتن ایشان .

و در کافی از حضرت باقر (ع) و حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) نوشت در وصایای خود که البته با زنان خودت مشورت نکنی زیرا که رأی آنها ضعیف و قصد آنها سُست است و چشم آنها را بپوش به حجاب خودت و بدرستیکه شدت حجاب برای تو و برای آنها خوبست از ریبه کردن تو در حق آنها و بیرون شدن آنها از منزل بدتر نیست از داخلشدن کسی که امین نیست بمنزل آنها و اگر قدرت داشته باشی که زنان تو غیر از تو کسی را نشناسند پس اینطور بکن .

و ایضاً در کافی از آنحضرت روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین (ع) بر پسرش امام حسن (ع) نوشت که بزن خودت اختیار ندهی مگر آنچه در آن راجع است بر نفس خودش زیرا که راحتی او در این است و قلب او آسوده میشود و بر جمال او فایده دارد زیرا که زن ریحانه است نه قهرمانه که متصدی امور تو باشد و باید کارها او از خودش تجاوز نکند و بپوش چشم او را با پرده خودت و نگاهدار او را به حجاب خودت و او را طمعکار نکن که به دیگران در نزد تو شفاعت بکند پس غلبه میکند شفاعت شده او با آن زن بر تو و تو را بر زحمت وادار میکند و از برای خودت یک قدرت نگاهدار بر او که او از تو در حذر باشد زیرا که سنت گرفتن تو بر او وهنست برای تو و در نظر او موهون میشود اگر او را به سر خودش بگذاری و اگر زنان

تو را صاحب قدرت بدانند به آنها خوبتر است از این که تو را بدون قدرت دانسته باشند .

و در کافی و فقیه روایت کرده اند که آنحضرت بر پسرش محمد بن حنفیه نوشت مثل این حدیث را با اندک تفاوتی .

و در کافی از سکونی از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرموده که زنان را در غرفها نگذارید و به آنها کتابت یاد ندهید و از برای آنها ریسمان و نخ ریشتن را و سوره نور را یاد بدهید .

و در فقیه از سکونی از آنحضرت روایت نموده که حضرت پیغمبر (ص) فرمود زنان را در غرفها و بالاخانها جای ندهید و بر آنها خط نوشتن را تعلیم نکنید و سوره یوسف را به آنها نیاموزید و تعلیم نمائید به آنها سوره نور را و ریشتن نخ را .

و در کافی از ابن اسباط روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود یاد ندهید بر زنان خودتان سوره یوسف را و قرائت نکنید آن سوره را به ایشان پس در آن سوره فتنه است برای آنها و یاد بدهید به آنها سوره نور را پس بدرستی که آن سوره مواعظ است بر آنها یعنی آیات حجاب در آن سوره است .

و در کافی و فقیه از حضرت صادق (ع) روایت کرده اند که حضرت رسول الله (ص) نمی فرمود از سوار شدن زنان به روی زین .



و ایضاً روایت کرده اند که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود سوار نکنید زنان را بر زین که بر هیجان می آورد شهوت ایشان را .

و مثل این احادیث است احادیث بسیار در نهی کردن از سوار شدن ایشان بر زین و از گذاردن آنها در غرفه و بالاخانه و از بیرون کردن آنها از خانه و حبس کردن آنها در خانه خودشان و همه این احادیث دلیل واضح است بر وجوب حجاب و حرمت نظر کردن به ایشان در نظر عقلا و حکما و فضلاء بدون شک و شبهه از مرد عاقل و شخص کامل مگر این که جاهل و غافل و زاهد بوده باشد زیرا که این نحو تأکیدات و بیانات از جهة چیست که زن باید از خانه بیرون نشود و در خانه حبس شود و در غرفه ننشینند و به روی زین ننشینند و سوره یوسف را و عشق بازی زنان مصر را ندانند و کتابت و خط نویسی را یاد نگیرند و همه اینها از جهة محفوظ بودن آنها است از نامحرم و با وجود اینها ممکن نیست که شرع بر بی حجابی آنها اجازه بدهد و هیچ عاقل و ناصح اینگونه ظنّ نمیکند و فتوی نمیدهد مگر کسی که یا جاهل باشد و خود را عالم فرض کند و یا اینکه آنکس گرگی است که در لباس میش آمده و میخواهد که احکام شرع را بر هم زند و اخلاق مسلمین را فاسد نماید و زنان مسلمین را مثل زنان ملل اجنبیه بی حجاب و بی عصمت نماید و اینگونه شخص بلا شبهه از غیرت و حمیت ملیّه اسلامیّه بی بهره است .

(3) طایفه سیّم از احادیث حرمت مصافحه است با زنان نامحرم چنانکه در

کافی از سماعه روایت کرده که از حضرت صادق (ع) سؤال کردم از مصافحه کردن مرد با زن فرمود حلال نیست مگر با آن زنی که نکاح او بر آن مرد حرام باشد مثل مادر و خواهر و دختر و خاله و عمّه و مانند اینها از محارم و اما زنی که حلال است برای مرد نکاح او پس با او مصافحه نکند مگر از بالای لباس او و دست او را فشار ندهد .

و در کافی و فقیه از ابی بصیر روایت کرده اند که به آنحضرت گفتم آیا جایز است مصافحهٔ مرد با زن نامحرم فرمود جایز نیست مگر از روی لباس .

و در کافی و فقیه در احادیث صحیحه روایت کرده اند از آنحضرت وقتی که در فتح مکه حضرت رسول الله (ص) از مردان بیعت گرفت نوبه بر زنان رسید آنحضرت دست مبارک خود را در طشتی که در او آب بود فرو برد و بیرون کرد و به آنها فرمود که شما نیز به نوبت دست خود را به این آب فرو برید و این بیعت شما است و من دست خود را بدست نامحرم نمیدهم و دست او را مسّ نمیکنم .

و در فقیه در حدیث مناهی از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرمود هر که با زن نامحرم مصافحه کند به غضب خداوند گرفتار خواهد شد و هر که زن نامحرم را در بر گیرد بسته میشود با یک شیطان در زنجیر آتشین و بعد از آن به آتش دوزخ انداخته میشود .

و در عقاب الأعمال روایت کرده که آنحضرت فرمود هر که با زن نامحرم

مصافحه بکنند آن مرد در قیامت دست بسته میآید و بعد از آن او را به دوزخ اندازند و هر که با زن نامحرم بدون حاجت صحبت و گفتگوی بکند خداوند او را به عوض هر کلمه هزار سال حبس میکند .

و در حدیث مناهی روایت کرده که آنحضرت نھی فرمود از گفتگو کردن زن نامحرم در نزد غیر شوهرش و غیر محرم خودش زیادتیر از پنج کلمه که لأبد است از آنها .

و در مستدرک از دعائم الإسلام روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) از جمله چیزهایی که از زنان به آن اخذ پیمان کرد در بیعت گرفتن از آنها یکی هم این بود که آنها با مرد نامحرم صحبت نکنند .

و از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که آن حضرت نھی کرد از صحبت زنان نامحرم .

و از حضرت صادق (ع) روایت کرده که فرمود صحبت زنان نامحرم دام شیطان است .

و از کتب لباب راوندی روایت نموده که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود پنج چیز سبب پنج چیز دیگر است تا آنکه فرمود مزاح کردن با زن نامحرم و بچه آمدن باعث زنا و لواط میشود و آنها نیز سبب دوزخ است .

و در کتاب خصال از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرمود چهار چیز قلب را میمیراند گناه بر بالای گناه ، صحبت زیاد

با زنان ، گفتگو کردن با احمق و مجالست کردن با غنی مُسرف .

و این احادیث وجوب حجاب و حرمت نظر و صحبت با زنان نامحرم و مصافحه با آنها بر صاحبان فهم و دانش و عفاف و انصاف معلوم میشود زیرا که حرمت مصافحه و مصاحبه با زن نامحرم از جهة وجوب حجاب و حرام بودن نظر است بر او و الاّ وجه دیگر ندارد چنانکه این معنی بر هیچ عاقلی از مرد و زن پوشیده نیست .

4) طایفه چهارم احادیث وجوب غیرت است به مردان چنانکه درکافی از ابن عیسی (ع) بسند صحیح روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود خداوند معدن غیرت است و مرد غیرتمند را دوست میدارد و از غیرت خداوند است که جمیع فواحش را حرام کرده چه ظاهری باشد و چه باطنی .

و از ابن ابی یعفور روایت کرده که آنحضرت فرمود زمانیکه مرد غیرت نکند به محارم خود پس آن مرد منکوس القلب است .

و در کافی و فقیه و محاسن بسند صحیح خودشان از حضرت باقر (ع) روایت کرده اند که خداوند از برای زنان غیرت را قرار نداده و از برای مردان قرار داده زیرا که چهار نفر زن را به یک مرد حلال کرده و از برای زن به غیر از شوهر دیگری را حلال نفرموده و اگر زن طلب غیر شوهر خودش باشد و به غیر شوهرش مایل شود پس آن زن نزد خداوند زنا کننده محسوب است تا آنکه فرمود حضرت رسول الله (ص) فرموده که پدرم حضرت ابراهیم (ع) غیور بوده و من از

او غیورترم و خداوند دماغ مرد غیر غیور را به خاک بمالد .

و ایضاً در فقیه روایت کرده که آنحضرت فرمود غیرت مرد از ایمان او است و فرمود که بوی عطر جنت از پانصد سال راه استشمام میشود و آن را عاق والدین و مرد دیوث نیابد عرض کردند یا رسول الله (ص) دیوث کدام مرد است فرمود آن مرد است که زن او زنا بکند و او بداند و رضا بدهد .

و در خصال از حدّاء از حضرت باقر (ع) روایت کرده که به خدمت رسول الله (ص) چند نفر متمرد و یاغی آوردند پس امر کرد که گردن آنها را بزنند مگر یک نفر از آنها و آن یک نفر گفت چرا از من عفو کردی فرمود جبرئیل به من خبر داد که در تو پنج خصلت خوب است که آنها غیرت شدید و سخاوت و حسن خُلق و راست گوئی و شجاعت است و زمانی که آن مرد اینها را شنید مسلمان شد .

و در نهج البلاغه که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود غیرت کردن زن کفر است و غیرت کردن مرد از ایمان او است .

و در مستدرک از حضرت رضا (ع) روایت کرده که حضرت پیغمبر (ص) بر هفت نفر لعنت کرده و یکی از آنها آن مردی است که از زن خود غافل باشد .

ودرکافی و محاسن برقی از حضرت صادق (ع) روایت کرده اند که حضرت

امیرالمؤمنین (ع) فرمود ای اهل عراق به من خبر دادند که زنان شما در راهها با مردان دوش به دوش میروند آیا حیا نمیکنید .

و در روایت برقی است خداوند لعنت بکند به آن کسی که غیرت ندارد .

و در کافی از آنحضرت روایت کرده که فرمود ای جماعت آیا حیا ندارید چرا

غیرت نمیکنید که زنان شما بر بازار میروند و با مردان بدوش هم دیگر میخورند .

و از این احادیث معلوم شد که باید مرد غیرت داشته باشد و شخص بدون

غیرت ایمان ندارد و شرافت نداشته است و صاحب ایمان و با حیا نیست زیرا

ثابت و مسلم شد که ایمان و حیا بدون غیرت نخواهد شد .

5) طایفه پنجم آن احادیث است که دلالت کرده که باید مردان رضای زن را

ملاحظه نکنند در گفتار و رفتار ایشان چنانکه در کافی از ابن سنان از حضرت

صادق (ع) روایت کرده که در نزد حضرت رسول الله (ص) مذاکره زن شد

آنحضرت فرمود اطاعت نکنید بر زنان در کارهای خوب قبل از آنکه شما را امر

نماید بر منکر و پناه برید به خداوند از اشرار زنان و در حذر باشید از اخیار آنها

و از ابن مختار از آنحضرت روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود

پرهیز بکنید از اشرار زنان و از خوبترین آنها در حذر باشید و هرگاه شما را امر

بکنند بر کارهای خوب مخالفت نمائید با آنها تا اینکه طمع نکنند از شماها

منکرات را .

و در کافی و نهج البلاغه روایت کرده اند که آنحضرت فرمود پناه ببرید به خداوند از زنان بد و در حذر بشوید از خوبان آنها و اطاعت نکنید به آنها در معروف تا امر نکنند شما را بر منکر .

و در فقیه و علل الشرایع و امالی از حضرت صادق (ع) روایت کرده اند که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود ای جماعت مردمان اطاعت نکنید بر زنان در هیچ حال و امین ننمائید آنها را بر مال و نگذارید آنها را تدبیر کنندهٔ امورات اهل بیت باشند زیرا که اگر ایشان با خیال و ارادهٔ خود باشند وارد میکنند به مردان مهلکه ها را و صحیح نمی نمایند امورات صاحب مال را و بدرستی که ما ایشان را بدون ورع و بی تقوی یافته ایم در وقت حاجت آنها به مال و بدون صبر دیدیم آنها را در وقت شهوت آنها و خود نمایی و تکبر کردن عادت آنها است اگر چه پیر شوند و عجب و خود آرائی با آنها است هرچندی که عاجزه باشند و آنها نعمت زیاد را شکر نمیکنند زمانی که از نعمت اندک منع بشوند و خیر و خوبی را فراموش میکنند و بدی را در خواطر خودشان نگه میدارند و عادت آنها در سخنان بهتان و اغلب در طغیان و دامهای شیطان میباشد پس مدارا بکنید با آنها در هر حال و خوب بکنید مقال را شاید خوب بکنند افعال خودشان را .

در کافی و فقیه بسند صحیح از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده اند

که فرمود برکت در مخالفت کردن است با زنان .

و ایضاً فرموده هر مردی که تدبیر امورات او با زن باشد پس آن مرد ملعونست .

و در کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرموده که با زنان مشورت نمیشود کرد و در قربت شخص نباید به آنها اطاعت شود و زمانی که پیر شد خوبی او می‌رود و رحم او عقیم و خُلق بد و زشت و زبان او تند میشود و زمانی که مرد پیر گردید شرّ او می‌رود و خیر او باقی میماند و رأی محکم و عقل او کامل و خُلق او خوب میشود .

و مثل این حدیث است احادیث بسیار؛

و در فقیه از ابن نباته روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود در آخرالزمان که بدترین زمانها است زنان پیدا میشوند که صورت آنها مکشوف از جلباب و مقنعه عادی و با خود آرائی و زینت افزائی و از دین خارج شونده و بر فتنه ها داخل شده گان بسبب این افعال و مایل شوندگان بر شهوات و سرعت کنندگان بر لذّت و حلال دانند زن محرمات داخل شوندگانند در دوزخ ابدی .

و در کافی و فقیه از حضرت صادق (ع) روایت کرده اند که حضرت رسول الله (ص) فرموده هر که بر زن خود اطاعت بکند خداوند او را بدوزخ میبرد گفتند در چه اگر اطاعت نماید به زنش فرمود در رفتن زن به حمام ها و



بر عیدها و بر عروسیها و بر نوحه خوانیها و در خریدن لباسهای رقیق ؛ و در مستدرک این حدیث از جعفریات و صاحب دعایم الأسلام نیز روایت کرده .

و از امثال این احادیث بسیار است ؛

پس از اینها معلوم شد که اطاعت مردان بر زنان خودشان حرامست نسبت به آن چیزی که زنان به آن مایل میشوند از قبیل کشف حجاب و برداشتن مقنعه و نقاب و بلکه در هر باب از خلاف و صواب و در موجبات عقاب و ثواب و در اینها بیان فرمودند که مرد نباید بر زن اطاعت نماید ، پس هر که در این زمان با خیال زنان رفتار نماید و بر آنها مطیع شود او نیز مثل زنان و مانند ایشان بی عصمت و بی ناموس و بی شرافت و بی غیرت است .

(6) طایفه ششم از احادیث در مذمت نظر کردن از عقب سر زنان ، در کافی بسند صحیح خود از هشام روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود کسانی که از عقب سر زنان به آنها نظر میکنند آیا نمیترسند که مبتلا شوند بمثل آنچه ایشان بر زنان مردمان مینمایند .

و در فقیه از ابی بصیر روایت کرده که به آنحضرت گفتم که زنی از نزد مردی میگردد پس نظر او عقب او میکند فرمود آیا دوست میدارد یکی از شما ، که مردمان به زن او و بر اقرباء او نظر بکنند گفتیم هیچ کس دوست ندارد فرمود پس راضی شوید برای مردمان آنچه را که راضی می شوید برای خودتان .

و در فقیه از حضرت صادق (ع) روایت کرده که خواطر جمع نمی شوند آن کسانی که از عقب سر زنان مردمان نظر میکنند از اینکه مردمان نیز از عقب سر زنان ایشان نظر بکنند .

و در کافی از ابی قرّه روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرموده خداوند وحی فرمود به حضرت موسی (ع) که زنا نکنید تا اینکه زنان شما زنا نکنند و هر که با زن کسی زنا بکند با زن او زنا میکنند و چنانکه جزا میدهی جزا داده میشود .

و در فقیه از ابی المقدام از پدرش از حضرت باقر (ع) روایت کرده که خداوند وحی فرمود بحضرت موسی (ع) که هر که زنا بکند با زن او زنا میکنند و هر چندی که بعد از خودش در اولاد او بوده باشد و عفت بکنید تا اینکه عفت نمایند اهل شما و اگر اراده داشته باشی که اهل بیت خودت خوب باشد پس از زنا کردن دور باش و چنانکه جزا میدهی جزا داده خواهی شد .

و در کافی از عبدالحمید از حضرت کاظم (ع) روایت کرده که حضرت رسول الله (ص) فرموده از آل فلان زن خواستگار بکنید زیرا که ایشان از زنان مردمان عفت کردند پس زنان ایشان نیز عفت کردند و زناکار نشدند و از آل فلان زن تزویج نکنید زیرا که آنها عفت نکردند پس زنان آنها زناکار شدند .

و در توریة است که خداوند تعالی فرموده من قاتلان را میکشم و زنا کاران را فقیر و محتاج به مردمان میکنم ای مردمان زنا مکیند پس زنان شما زنا نکنند و چنانکه جزا میدهید جزا داده خواهید شد .

و در کافی و فقیه از زُراره از حضرت صادق (ع) روایت کرده اند که فرمود خوبی بکنید در حق پدران خود تا اینکه اولاد شما درحق شما خوبی نمایند و متعرض زنان مردمان نشوید تا اینکه به زنان شما متعرض نشوند .

و از این احادیث که زیاد است معلوم میشود که هر که به زن مردمان نظر بکند به زن او نظر میکنند و هر کس با زن غیر زنا بکند با زن او زنا میکنند و هر که راضی شود به کشف حجاب زنان پس او راضی شود به رفع نقاب زن خود و مرد با غیرت و با حیا هرگز به این راضی نخواهد شد و اگر نظر کردن به عقب زنان نامحرم جایز بوده چرا در این احادیث از برای آن جزا قرار میدادند و هر گاه دیدن زنان دیگران حلال میشد برای چه به جهة آن مکافات بیان میکردند و زیادتیر از این بیان نظر کردن و متعرض شدن به زنان نامحرم چه خواهد شد .

7) طایفه هفتم از احادیث بیان فرق است در بین مردان و زنان ، چنانکه در کتاب خصال از جابر جعفی روایت کرده که حضرت باقر (ع) فرمود که از برای زنان اذان و اقامه و نماز جمعه و جماعت و عیادت مریض و رفتن در عقب جنازه و بلند گفتن تلبیه در احرام حج و عمره و هروله در بین صفا و

مروه و بوسیدن حجراسود و داخل شدن به خانه کعبه و سر تراشیدن نیست و بلکه زنان از موی سر خودشان میزنند و زنان قضاوت و ریاست نمیتوانند بکنند و محلّ شورای نمیشوند و ذبح حیوانات نمیکند مگر در حال ضرورت و در وضو ابتداء میکنند بر باطن ذراع خودشان و مرد به ظاهر ذراع خودش و مسح زنان غیر از مسح کردن مردانست و زن مقنعه خود را در وضوی نماز صبح و مغرب بر میدارد و بر سر خود مسح میکشد و در باقی نمازها انگشت خود را از زیر مقنعه داخل میکند و سرش را مسح میکند تا اینکه سر او را نامحرم نبیند وقتی که زن به نماز بر خیزد دو پای خود را به همدیگر متضمّم میکند و دستهای خود را بر سینه اش میگذارد و در رکوع دستها را بر ران خود می چسباند تا اینکه بسیار خم نشود و در سجده کردن خود را به زمین میچسباند و در برداشتن سر از سجده مینشیند و بعد از آن قیام میکند و در تشهد زانوی خود را از زمین بلند میکند و بر ران خود میچسباند و زمانیکه از خداوند حاجت میطلبد بالای بام میروند و دو رکعت نماز میگذارد و حاجت خود را از خداوند میخواهد و حاجت او بر آورده میشود و در بعضی احادیث است که این در شب باشد تا کسی او را سر برهنه نبیند و برای زن در سفر غسل جمعه نیست و در حضر ترک آن جایز نیست و شهادت زن در حدود و طلاق و در دیدن ماه مسموع نیست و در آنچه از برای مردان دیدن آن حرام است شهادت زن مسموع است و از برای زنان جایز نیست که در

وسط طریق راه بروند و بلکه باید از یکی دو طرف آن راه بروند و جایز نیست بودن آنها در غرفها و یاد گرفتن کتابت و مستحّب است بر آنها نخ ریشتن و قرائت سوره نور و مکروه است بر آنها قرائت سوره یوسف و توبه داده میشود زن مرثده و گشته نمیشود چنانکه مرد گشته میشود به ارتداد و اگر توبه کرد فبها و الا حبس ابدی میشود و بقدر سدّ رمق به او طعام میدهند و طعام و لباس او غلیظ میشود و خدمت شدید به او رجوع میکنند و از برای نماز و روزه او را با زدن الزام میکنند و از برای زن جزیه نیست و در وقت زاییدن زن باید هر که نزد او باشد از نزد او بیرون شود تا اینکه عورتین او را کسی نبیند و برای زن حیاض و جنب جایز نیست در وقت احتضار کسی در نزد او باشد و همچنین جایز نیست کسی او را به قبر گذارد مگر کسی که به او محرم باشد و زمانی که زن از جائیکه نشسته بر خواست به مرد نامحرم جایز نیست که در جای او نشیند تا اینکه جای زن سرد شود و جهاد زن خوش رفتاری است با شوهرش و بزرگترین حقوق در ذمه زن حق شوهر است و احق مردمان بر نماز زن شوهر اوست و جایز نیست به زنان کشف حجاب در نزد زن یهودی و نصرانی زیرا که آنها به شوهران خود آن زن را نشان میدهند و جایز نیست به زنان استعمال عطر و آرایش کردن در وقت بیرون شدن از خانه و همچنین شیبیه نمودن خود به مردان زیرا که حضرت رسول الله (ص) لعن کرده به زنان و مردانی که به همدیگر خود را شبیه بکنند و جایز نیست به

زنان که خودشان را بدون زینت و ناخن دستهای خود را بی خضاب بگذارند و باید در زمان حیض حنا نگذارند زیرا که برای آنها از شیطان خوف میشود و وقتی که در اثنای نماز به آنها اشاره لازم شود دستها را به هم بزنند به خلاف مرد که با سرش اشاره میکند و یا با دستش و یا تسبیح را بلند میگویند و جایز نیست به زنان نماز گذاردن بدون مقنعه و جایز است به زنان لباس ابریشم در غیر نماز و احرام و بر مردان حرام است مگر در جهاد و جایز است به زنان انگشتر طلا و نماز در آن و به مردان حرام شده و حضرت رسول الله (ص) فرموده یا علی (ع) لباس ابریشم و انگشتر طلا را مپوش و اینها لباس تو است در جنت و جایز نیست به زن آزاد نمودن بنده و احسان از مال خود مگر به اذن شوهرش و روزه مستحب مگر به اذن زوج خود و جایز نیست مصافحه کردن او با نامحرم مگر از بالای لباس و بیعت کردن هم چنین و حجّ مستحب مگر به اذن شوهرش و جایز نیست به زن داخلشدن به حمام بدون لنگ و نه سوار شدن به زین مگر در ضرورت و سفر و میراث زن نصف میراث مرد است و دیه او نصف دیه مرد است و در دیه با مرد برابر است تا اینکه بر ثلث دیه برسد وقتی که بر ثلث رسید دیه زن نسبت به دیه مرد نصف میشود و در نماز در پشت سر مرد میشود و در پهلوی مرد نمیشود و زمانیکه زن مرده باشد نماز گذار او مقابل سر زن و در مرد در مقابل شکم او میاستند و در وقت گذاشتن زن به قبرش زوج او و یا محرم او از رانهای او

اخذ میکند و برای زن شفاعت خوبتر از رضای شوهر او نیست در نزد خداوند تا آخر حدیث .

و از امثال این حدیث بسیار است و در احادیث متواتره است که از برای زن جایز نیست بیرون شدن از خانه مگر به اذن شوهرش و زینت کردن برای غیر زوج خود حرام است .

پس از این احادیث واضح شد که تکلیف زن و طبیعت او غیر از تکلیف و طبیعت مرد است و بنابراین اگر کسی زن را با مرد مساوی بداند در رفع نقاب و کشف حجاب و تردّد کردن در مجالس شیخ و شاب پس آنکس ندانسته و نفهمیده و خودش را مثل زن خیال کرده و بر طبیعت و شریعت ضدّ شده و در بین مردان خود را رسوا نموده زیرا که مرد فاعل است و زن مفعول و مرد تخم میگذارد و زن میزاید و مرد بر زن سوار میشود و مرد چیزی میدهد و زن چیزی میگیرد و مرد چیزی دارد و زن چیزی دیگر دارد و به مرد طمع نمیشود و به زن طمع میشود و هکذا از امتیازات زنان از مردان و زیادتی مردان به زنان و اگر کسی بگوید که کشف حجاب و بدون نقاب شدن زنان باعث ترقّی است پس این سخن دروغ محض و محض کذب و افتراء است و جز بی حیائی و بی عصمتی ثمری علاحده ندارد و در این زمان ترقّی موقوف بر همت و غیرت مردان و با ناموس و با حیا بودن آنها است و چقدر دانایان و عالمان فرنگستان از بی حجاب بودن زنان در شکایت بوده ذلّت و ذلالت را در آن دانسته اند

در کتاب بانوی اسلام که در این اواخر ترجمه و طبع شده است ملاحظه فرمایند دلیل ما شیعیان بر وجوب حجاب و حرمت نظر کردن به نامحرم همین آیات و احادیث متواتره است و اگر کسی از آیات و روایات صحیحه دلیلی به رفع نقاب و نظر کردن بنا محرم داشته باشد بیاورد تا ملاحظه شود .

تمام شد این مختصر در ساعت پنجم  
از روز پنجم از ماه پنجم از سال  
آخرا از دهه پنجم از صد چهارم از  
هزار دویم از هجرت نبوی  
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ